

درباره:

# اسلام و علم

(۳)

اصل موضوع بفرانسه از: سید جمال الدین  
اسدآبادی مقدمه و ترجمه بهر بی از: دکتر محمد  
حمیدالله باورقی از چراندا بی (ج) و خسروشاهی (خ)

« قسمت اول و دوم این موضوع، در شماره اول و دوم سال جدید مادر ج شد »  
« و اینک قسمت آخر ترجمه مقدمه آقای دکتر محمد حمیدالله حیدر آبادی، استاد  
دانشگاه پاریس، در این شماره درج میشود، و از شماره آینده ترجمه کامل و صحیح  
مقاله سید جمال الدین اسدآبادی که برای اولین بار در مطبوعات فارسی منتشر میشود،  
درج خواهد شد. »

بنظر ما، البته بنابند لائلی در جواب جمال الدین نیز از طرف مترجم نامه که در  
اداره روزنامه بود، و شاید خود «رنان» که از کارمندان و نویسندگان آن اداره بود  
بوده باشد و تحریفات و دست برد هائی شده است:

(۱) موضوع کنفرانس رنان در اوایل خرداد ماه «مارس» منتشر شده و جواب هم تقریباً  
پس از دو ماه چاپ شده، و مافکر میکنیم که: «مرد مجاهدی مانند جمال الدین  
برای تهیه جواب آن، این مدت را سکوت کرده باشد.»

(۲) شاید جمال الدین جواب نامه را در مدت یک هفته، تقریباً، نوشته باشد،  
زیرا که او با زبان فرانسه آشنا بود؛ وقتی سخنرانی را بلافاصله بعد از چاپ خوانده  
ولکن برای نوشتن جواب، از بعضی از دوستان خود خواسته که متن محاضره را

درست و بدقت برای او ترجمه کنند ، و این کار هم بیش از یکی دو روز وقت لازم نداشت .

(۳) : و میتوان گفت که چون «رنان» مستشرقی بود که عربی میدانست ،

و جمال الدین هم نامه و جواب را برای همین علت به عربی نوشت و غرض اصلی او این

بوده که رنان ، که دوست جمال الدین بود ، و قبل از این جریان هم ؛ چنانکه خود

رنان در جواب متذکر شده است ؛ باهم آشنائی داشتند ، از آن مسائل مطلع شود (۱)

و قتیکه نویسنده روزنامه ، نامه سید را به «رنان» رسانید «جمال الدین» منتظر

نشر آن شد . . تا اینکه سرانجام از نشر جواب مایوس گشت . (و البته در وهله اول

نشر جواب را بعلمت عربی بودن آن ، رد نکردند و الا برای سید مقدور بود که بفراشه

بنویسد) و جمال الدین . اگر نامه خود را در روزنامه میخواند و میدید که تحریف

شده ، مسلماً عکس العملی نشان داده و اعتراض میکرد (۲) .

و قتیکه قیل و قال مردم درباره این کنفرانس تمام شده ، رنان نامه جمال الدین

را منتشر کرد و بنظر ما جمال الدین دیگر از آن مطلع نشد .

و تازه معلوم نیست که اگر مطلع شد و اعتراض به تحریفات که مدیر روزنامه در

نامه او نموده بود ، کرد ؛ صاحب روزنامه به جواب سید ترتیب اثری داد یا نه ؟ .

و در هر صورت جمال الدین دیگر بیش از آن نمیتوانست کاری کند ؛ و علاوه کارهای

بزرگ و مهم دیگری داشت که از اقدام باین کار لازمتر و ضروری تر بودند .

۴ - جمال الدین که در تمام دوره زندگانی خود از مجاهدین و مدافعین

اسلام بود ، و افکار و تألیفات او در سراسر روی زمین در دسترس عمومی است ، آیا

(۱) در مقدمه مفصل این بحث که انشاء الله بعدها چاپ میشود متن سخنان رنان درباره

دوستی با سید جمال الدین نقل میشود (خ) .

(۲) این احتمال قویتر است که سید جمال الدین از موضوع جواب به نامه او و تحریف متن

جواب او ، مطلع نشده است ، زیرا بسیار بعید است که این تحریفات زننده و فاحش را به

بیند و عکس العملی نشان ندهد ؛ و اصولاً ممکن است که بعد از این فاصله بین درج سخنرانی

رنان و جواب سید ؛ برای سید مسافرتی پیش آمده و از پاریس رفته باشد . . (خ) .

باوسز او اراست . (چنانکه در نامه منتشره او در روزنامه ژو نهال ديه ديها ديده ميشود)  
بگويد (۱) :

ا - ... مرده ميکه دين اسلام را بزور ! ! ويا ! بر غبت قبول کردند ! ! .

ب - اعتقاد بوجود حق تعالی از سنگين ترين اعمال بر انسان و از بزرگترين  
اهانتها باواست ! ؟

ج - اگر صحيح باشد ! که دين اسلام ، مانع نهضت در فورم است ، آيا کسی  
مي تواند ادعا کند که اين مانع بهيچوجه از بين نخواهد رفت ! ؟ .

و در صورتیکه ملل مسلمان هنوز خود را از تسلط و نفوذ دين خود نجات نداده اند  
(مقصود تسلط غير عادلانه بنام دين است) پس دين اسلام در اين موضوع چه فرقی با اديان  
ديگر دارد ! !

د - حقيقت ؟ اينست که دين اسلام در راه اختناق علم و بازداشتن از نهضت و  
حرکت ، کوشش نمود و در تعطيل پيشرفتهاي علمي و فلسفي و گمراه کردن و بازداشتن  
مردم از تحقيقات و کاوشهاي علمي موفقيت حاصل کرد ! ! ! .

ه - قبول ميکنيم ! ! که اسلام در ممالکي که فتح کرده و وارد شد ، چنانکه  
معروف هم هست ، باز در پيش رفت و اين سرزمين ها از آنوقت تا امروز موفق به رها  
شدن از آثارشوم آن نشده اند .

و - چرا دنياي عربي در پيشت پرده هاي تاريخ و ظلماني است ؟ مسئوليت آن

(۱) قابل توجه : وقتیکه علامت ستاره (☆) در متن مقاله سيد ، که در شماره آينده

چاپ ميشود ، باشد ؛ نشانه اينست که مترجم مقاله بعربي آقای دکتر حميد الله استاد فکلي  
دانشگاه پاریس ، در صحت آن اختلاف کرده و چنانکه در مقدمه خود تصريح ميکند ؛

معتقد است که نسبت دادن آنها بسيد ، افتراء و تهمت است و مطالبی است که در موقع  
حک و اصلاح ! « مقاله سيد در اداره روزنامه رودناي ديه ديها بآن افزوده شده است

(ج و خ) .

تنها بعهده اسلام است و بس (اینها مسائلی است که در مقاله سید دیده میشود و مسلماً از طرف ناشر بآن اضافه شده است) بعد از انتشار این نامه از سید؛ فردای همان روز یعنی در ۱۹ ایار همان روز نامه جواب رنان، بر جواب «جمال الدین چاپ شد» (۱)

(۱) استاد احمد امین ۱۸۷۸-۱۹۵۴، در کتاب خود «زعماء الإصلاح فی العصر الحدیث» ص ۹۱-۹۲ طمصر، در ضمن ترجمه شرح حال فیلسوف شرق و اسلام سید جمال الدین اسد آبادی معروف بافقان مینویسد: «... رنان نیز جوابی باو نوشت و تعریف زیادی توأم با اعجاب از او کرده گفت. من باشیخ جمال الدین از دو ماه پیش آشنا شدم و در خود حالتی احساس کردم که قبلاً جز در بر خورد با افراد قلیلی آن حالت بمن دست نداده بود.

سید درمن تاثیر زیادی کرد و بین ما مباحثه‌ای در گرفت که من بعد از آن تصمیم گرفتم که موضوع کنفرانس من در سوربون «علاقه علم باسلام» باشد و خود شیخ جمال الدین بهترین شاهد صد قیست (وما میتوانیم آنرا پیش کشیم) بر این ادعای بزرگ ما، که مدتهاست آنرا اظهار کرده ایم که: ارزش ادیان و مذاهب با اندازه ارزش گروندگان آن نژادهای مختلف است من هر وقت مباحثه با او از آزادی فکرو فضل، خلق و صراحت لهجه او بفکرم رسید که یکی از دانشمندان بزرگ قدیمی را می بینم و با این سینا و این رشد رو برو هستم، و یا با یکی از این ملحدین بزرگ که قرن‌هاست برای آزادی انسانیت از اسارت کوشش میکند (ج) رنان که سید جمال الدین را «شاهد صدق» خود می شمرد، شاید از این گفتار سید استفاده کرده است: «اگر بخوایم آزادگان اروپا را بدین خود بخوانیم لازم است که نخست بآنها بگوئیم که ما مسلمان نیستیم، زیرا آنها وضع فعلی ما را در نتیجه تربیت قرآن اینطور میدانند: آری بدنبال قرآن مللی را می بینند که در میان آنها، جهل و ذلت و بدبختی و... شیوع یافته و آنوقت است که میگویند: اگر این کتاب واقعا مصلح اجتماع بود. پیروان آن، آنطور که ما می بینیم نبودند»

که در آن موافقت خود را با جمال الدین در بعضی از مسائل یعنی (در این تحریقاتی که خود افزوده بودند) متذکر شده بود .

و بنابراین ، آیا ما به بیشتر از این ، برای حصول یقین ، باینکه قسمت هائی از جواب سید جمال الدین ساختگی است ، و مترجم آن با تحریفات و قبحانه ای ، بچاپ آن اقدام کرده است ، احتیاج داریم که : فرقی بین گفتارهای جمال الدین و آنچه که «رنان» و امثال او از دشمنان اسلام گفته اند ، وجود ندارد (؟!) (۱)

پاریس : دکتر محمد حمید الله (حیدرآبادی)

† (روح الدین الاسلامی ، تالیف «عفیف عبد الفتاح طباره» چاپ بیروت لبنان ، ط ۲ ص ۱۳ - ) .

اما شاگرد معروف او ، «محمد عبده» در کتاب خود سخنی دارد که شاید از آن ، بتوان بعنوان جواب به «رنان» و بهر کسی که اعمال مسلمین را مدرك برای شناخت «اسلام» و «قرآن» میدانند استفاده نمود :

محمد عبده میگوید ؛ « . بسیاری از آنچه که می بینید مردم بآن اسلام میگویند ، در واقع اسلام نیست ، بلکه نگهداری از ظاهر و صورت نماز و روزه و حج است ، و از گفتارها جز مختصری ، همگی از معانی خود تحریف و وارونه شده اند و در نتیجه آنچه که از بدعتها و خرافات بر اسلام عارض شده ، مردم مسلمان بجمود فعلی که آنرا دین می شمارند ، رسیده اند ؛ پناه بر خدا از آنها و از آنچه که بر خدا و دین او افتراء بسته اند پس بطور کلی هر چیز بوسیله آن بر مسلمین عیب میگیرند از اسلام نیست ، بلکه چیز دیگری است که اسم آنرا اسلام گذاشته اند »  
الاسلام والنصرا فیة تالیف محمد عبده ط مصر ص ۱۵۰

و بنابراین این باید گفت : عمل خلاف هیچ فرد وابسته به یک تیب ، بیک عفیده به یک جمعیتی ، نمیتواند بود و نباید ملاک قضاوت درباره آن عقیده و مبدء و اصول آن قرار بگیرد : (خ)

(۱) : مطلب قابل توجهی که هست ، اینست که استاد حکیم شیخ محمد †

مخیت المطیعی « مفتی سابق دیار مصر (۱۲۷۱-۱۳۵۴ هـ) و عالم بزرگی که درباره او مرحوم آیه الله شیخ محمد حسین آل کاشف الغطا « (۱۲۹۵-۱۳۷۳) در رساله: «مجاورة الامام: ص ۴۶ ط ۳ نجف» مینویسد: «من همانند او عالم و محققى در مصر ندیدم» در کتاب نفیس و پرازش خود: «تنبيه العقول الانسانية لما فى آيات القرآن من العلوم الكونية و العمرانية» ص ۳-۴ ط مصر مینویسد: «از سخنرانی و نظمی که اخیراً در دانشگاه مصر استاد سید مصطفی عبدالرزاق که یکی از افضل علمای شافعی دانشگاه الازهر است و در شماره (۱۲۳) روزنامه «السیاسة» در ۲۱ ماروس سال (۱۹۳۳) میلادی چاپ شده، مطلع شدم و در آن گفتارهایی از یک نفر اروپائی که او را «رنان» مینامند و حمله با اسلام و مسلمین نموده، نقل کرده است...

و به سید جمال الدین افغانی سخنرانی در ردیه او بر گفته‌های رنان، نسبت داده که من معتقدم که استاد سید جمال الدین رحمه الله از این سخنان عبرت است؛ و چطور نسبت آنها بسید صحیح باشد در حالیکه، در ضمن آن، مسائلی است که حمله رنان را بر ضد اسلام و مسلمین، تصدیق و قبول کرده است.

آیا استاد ما جمال الدین، که به صاحب دین جد خودش (محمد ص) منسوب است سزاوار است که منسوب باین دین نباشد! در صورتیکه ما از روزیکه او وارد مصر شد، تارزوی، تاروزیکه از مصر خارج شد، با او معاشرت داشتیم و بسیاری از علوم فلسفه و غیره را پیش او یاد گرفتیم و ما در عرض این مدت طولانی و با این کثرت معاشرت اجتماع با او (رحمه الله) چیزی از او ندیدیم که حاکی از این باشد که او معقیده رنان است و یا چیز دیگری بگوید که بوی طعن بر اسلام و مسلمین از آن استشمام شود بلکه آنچه که ما از او فهمیدیم و «استاد شیخ محمد عبده» از او دیده اینست که سید جمال الدین فیلسوف حقیقی و پیرو صمیمی و صادق دین اسلام و مدافع این دین با تمام قوا و با آنچه که از نیروی علم و حسن تفسیر و بیان منطق محکم و راه روشن داشت؛ بود و چطور این طوری نباشد، در حالیکه دین اسلام دین فطری برای بشریت است...» (ج)